

تو زنده ماندی و...

مشروطه طلبان، به جای مجازات مخالفان و نیروهای دولتی، از روحانیان و عالمان مشروطه طلب، انتقام گرفتند و در اولین فرصت، در یک دادگاه، «آیت الله شیخ فضل الله نوری» را به اعدام محکوم کردند و وی را به شهادت رساندند. پس از آن، آیت الله بهبهانی از نجف به ایران بازگشت. او به هنگام ورود



به تهران، خطاب به آیت الله طباطبایی که به استقبال وی آمده بود، گفت: «تو زنده ماندی و شیخ را در تهران به دار زدند و این ثلمه را به اسلام وارد ساختند؟ چرا نرفتی بند دار را بگیری و به گردن خود اندازی که این ننگ، برای اسلام پیش نیاید و این لطمه و سخته، به مشروطیت ایران وارد نشود؟»

منبع: سیره علما
۲۴ تیر، ترور روحانی مجاهد آیت الله «سید عبدالله بهبهانی»
یکی از سران اصلی مشروطیت (۱۲۸۹ ش)

۲۹ تیر، واگذاری شیلات شمال ایران به «استفان لیانازوف» سرمایه دار روسی (۱۲۷۲ ش)

حاتم بخشی ناصرالدین شاه به روسها

پس از آن که ناصرالدین شاه قاجار امتیاز رویتر مینی بر تأسیس بانک شاهنشاهی و بهره برداری از بعضی معادن ایران را به انگلیسی ها واگذار کرد، دولت روسیه نیز به هم چشمی انگلستان درصدد اخذ امتیاز جدیدی شد! ناصرالدین شاه هم که بحمدالله، از این صله ها به بیگانگان زیاد می داد، به روسها امتیازات متعددی از جمله امتیاز شیلات شمال ایران و صید ماهی و نیز امتیاز تأسیس بانک استقراضی را داد.

از این قبیل اتفاقات برای ایران و برای هر کشوری زیاد اتفاق افتاده و خواهد افتاد؛ اگر مسئولان در مقابل بیگانه از خود نرمی و سستی نشان بدهند. اصلاً نظر قرآن نیز همین است، «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ وَالَّذِيْنَ مَعَهُ اَشْدَّاءُ عَلٰى الْكُفَّارِ رَحْمَاءٌ بَيْنَهُمْ!». چیزی شبیه سیلی موشکی که به گروهک منحرف داعش زده شد، باید با دشمن این گونه رفتار کرد.



۱) محمد [ص] پیامبر خداست و کسانی که با او بند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربان اند. (سوره فتح / ۲۹)

کلاغ خرابکار!

دارد در خیابان راه می رود که از شانسش کلاغی از آسمان روی لباسش خرابکاری می کند.

حالا افتاده به جان لباسش تا آن را تطهیر کند! در حالی که فضله پرندگان پاک است.

رساله آموزشی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، بخش نجاسات



امید و ناامیدی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو غَيْرَهُ وَ لَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي

سپاس خدای را که غیر او را نمی خوانم، که اگر غیر او را می خواندم دعایم را مستجاب نمی کرد

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَ لَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي

و سپاس خدای را که به غیر او امید نیندم، که اگر جز به او امید می بستم، ناامید می نمود.



فرازی از دعا ابو حمزه ثمالی، مفاتیح الجنان

همسنگر

انتقادهای، پیشنهادهای، ایده ها، جملات و خلاصه هر چیزی را که رنگ و بوی مسجد دارد رو به دست ما برسوند تا همین جا و در همین ستون منتشرش کنیم.

سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۱۵۰۱۶۰۱۷۰

تارنما: SangareMahalle.ir

مسعود

دستتون درد نکنه. اجرتان با خدا

در این شماره می خوانید:

فرمان جهاد

کلاغ خرابکار!

قبول قطعنامه به خاطر مسائل داخلی بود

تو زنده ماندی و...

سرمقاله

چه کسی حزب الهی است؟

در یک نگاه هر آن کس که شب قدر قرآن روی سر می گیرد، حزب الهی است. این حداقلی است که نباید از آن کوتاه آمد.

اما بسنده کردن به این حداقل هم درست نیست، چون هر چه بالاتر می رود، حساس تر می شود تا به جایی می رسد که کلمه «حزب الهی» مشترک لفظی می شود و یکی حزب الهی ها را به باد نقد می گیرد و دیگری آنها را تقدیس می کند و هر دو هم خیال می کنند که دارند درباره خودشان و هم مسلکی هایشان حرف می زنند.

راه چاره چیست؟ قدر متیقن یا وجه مشترک را

باید پیدا کرد. چیزی که اگر داشته باشی - و بقیه را نه - حزب الهی هستی و اگر نداشته باشی - و بقیه را آری - نیستی. آن چیست؟ «ولایی بودن»! اگر بیشتر از اینکه بخواهی پشتیبان ولایت باشی، برای عدالت و آزادی دل سوزانندی، لطفا دم از ولایت نزن؛ اما اگر همراه با ولایت دغدغه های دیگر داشتی حزب الهی هستی.

این اصل است و کوتاه آمدن از آن معنا ندارد.

متقین

شرح خطبه متقین نهج البلاغه

- مؤلف: سید مهدی شجاعی
- چاپ ۱۳۹۳
- صفحه ۳۷۲۰
- نشر نیستان
- قطع رقعی
- ۲۲۰۰۰ تومان



سنگر محله

نشریه تربیتی، مسجدی سنگر محله | سال چهارم، شماره پیاپی ۱۳۹ | هفته چهارم تیر ۱۳۹۶ | قیمت: ۵۰۰ تومان (اختیاری)

اقتصاد مقاومتی

زنان خانه دار، گنجینه پنهان

خدمتی که یک زن خانه دار می تواند به اقتصاد مقاومتی بکند، شاید یک کارگر، یک کارمند و حتی یک مدیر هم نتواند انجام دهد.

زنان خانه دار نقش مستقیمی در تربیت فرزند دارند. این زنان، می توانند نسلی کاری و کارآفرین را به جامعه هدیه دهند. از طرف دیگر مهم ترین رکن برای مصارف خانه تصمیمات زن خانه است. اوست که می گوید خانه چه نیازهایی دارد. اگر زنان خانه دار ما بتوانند مصارف خانه را از مصارف تجملی به مصارف صحیح و از کالای خارجی به کالای داخلی تغییر دهند، تأثیر شگرفی در اقتصاد کشور خواهند گذاشت.

همچنین اگر زنان جامعه ما به جای تحصیل در رشته های مردانه و یا شغل های سطح پایین مثل منشی گری به تولیدات خلاقانه خانگی مثل خیاطی، صنایع دستی و... روی بیاورند، علاوه بر کمک به مخارج زندگی، می توانند بخش عمده ای از نیازهای کشور را تأمین کنند.

فقط ای کاش حکومت، رسانه و جامعه بیشتر از اینها به زحمات زنان خانه دار ارج می نهاد.



فرمان جهاد

فرق دوران پیامبر اعظم با سایر پیامبران این است که در این دوران باید مردم خودشان برای برپایی حکومت الهی تلاش کنند و برای همین هم جهاد مخصوص این زمان و این پیامبر است. اما در دوران پیامبران قبلی معجزات الهی آنقدر زیاد بود که از مردم صرفاً انتظار ایمان آوردن و کارهای فردی می‌رفت و مبارزه با طاغوت خیلی مطرح نبود.

اینک خدا مؤمن و کافر را با ایمان به قرآن پیامبر جدا کرد و به مؤمنان فرمان جهاد داد:

فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثَخْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فِيمَا مَنَّا بَعْدُ وَ إِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا

پس هنگامی که اهل کفر را دیدید، (وظیفه شما) زدن گردن‌هاست؛ آنقدر که بر ایشان چیره شوید. آن‌گاه آن‌ها را محکم به بند بکشید و یا بر ایشان منت بگذارید و آزادشان کنید، یا از آن‌ها مالی را به عنوان فدیة بگیرید و رهایشان کنید. تا اینکه جنگ سنگینی‌هایش را زمین بگذارد و آتش دشمنی خاموش شود.



مسجد نما را در

تلگرام

اینستاگرام

لنزور

دنبال کنید

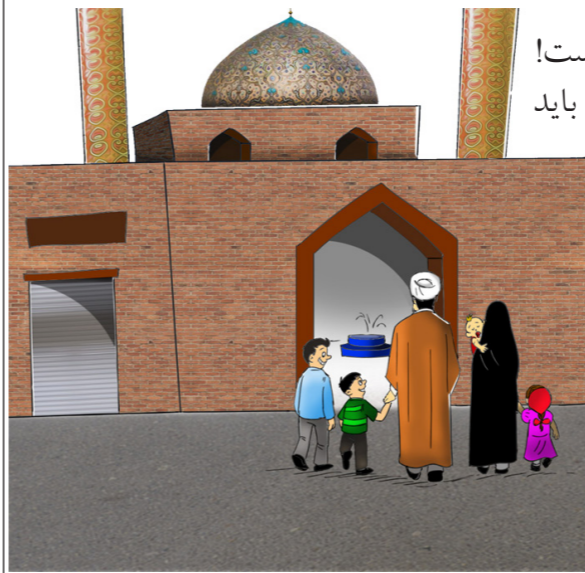


خُب از نو

هر بار که زمین بخوریم، کلی عقب می‌مانیم و هر بار که از بلند شدنمان مأیوس شویم، عقب‌تر.

اصلاً شاید فلسفه نماز برای همین است که کم نیاوریم بلکه یک چیزی هم زیاد بیاوریم! یادمان نرود که نماز همان نهر آبی است که هر روز مؤمن ۱۷ رکعت در آن شست‌وشو می‌کند و هر رکعت پاک‌تر از رکعت قبلی... یعنی شاید یکی از فلسفه‌های نماز این باشد که، خُب از نو

تازه این‌ها نمازهای واجب است! هر بار هم گناه ما را زمین زد باید از فرصت استفاده کنیم و با یک جهش خودمان را به مسجد برسانیم و دو رکعت ناقابل اما با توجه، نوش‌جان کنیم که این شکست‌ها خودش مقدمه صعود است؛ صعود تا اوج.



در قالب تصویر

ارسال تصاویر شما: sangaremahalle@chmail.ir

• در این بخش می‌توانید چند طرح مناسبتی این هفته را مشاهده کنید. برای این هفته در تارنمای masjednama.ir

پوسترهایی با موضوع: شهادت شاعر و عالم مجاهد علامه «سید اسماعیل بلخی» توسط ایادی رژیم افغانستان، قطع روابط سیاسی فرانسه با ایران در جریان جنگ تحمیلی، تأسیس نهاد شورای نگهبان، شهادت حضرت امام جعفر صادق (ع) پیشوای ششم شیعیان، درگذشت خطیب شهیر و واعظ معروف حجت‌الاسلام شیخ «احمد کافی» در تصادفی مشکوک قرار گرفته است.

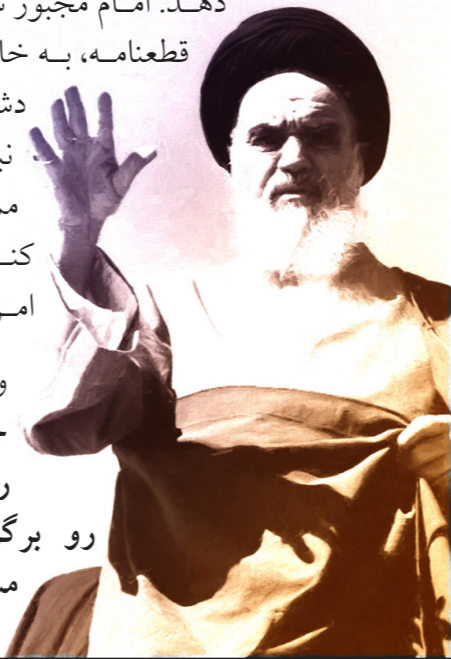


• فرزندزاده من در زمین خراسان شهید خواهد شد در شهری که آن را طوس می‌گویند. هرکس برای زیارت او به آن جا رود و به حق او عارف باشد. قیامت به‌دست خود دستگیری او کرده به بهشتش برود. (مولا امام صادق (ع))
وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۵۵۲

قبول قطعنامه به خاطر مسائل داخلی بود

قطعنامه از طرف امام، به خاطر فهرست مشکلاتی بود که مسئولین آن روز امور اقتصادی کشور مقابل روی او گذاشتند و نشان دادند که کشور نمی‌کشد و نمی‌تواند جنگ را با این همه هزینه، ادامه دهد. امام مجبور شد و قطعنامه را پذیرفت. پذیرش قطعنامه، به خاطر ترس نبود؛ به خاطر هجوم دشمن نبود؛ به خاطر تهدید امریکا نبود؛ به خاطر این نبود که امریکا ممکن است در امر جنگ دخالت کند. چون امریکا، قبل از آن‌هم در امر جنگ دخالت می‌کرد.

وانگهی؛ اگر همه دنیا در امر جنگ دخالت می‌کردند، امام رضوان‌الله‌علیه، کسی نبود که رو برگرداند. بر نمی‌گشت! آن، یک مسئله داخلی بود.



حکایت خوبان

نیکی در برابر نیکی

هنگامی که مردم کاشان از ورود آیت‌الله به قم مطلع شدند، حدود سی نفر از معاریف شهر کاشان و مؤمنان با یک قواره عبای بسیار عالی که از پشم شتر تهیه‌شده بود، به‌عنوان هدیه خدمت آیت‌الله کاشانی رسیدند. آیت‌الله که لباس‌های بسیار کهنه و به تن داشتند، در کنار یک مرد عرب نشسته بودند. وقتی عبا را به آیت‌الله کاشانی دادند، ایشان عبا را به دوش این مرد عرب انداختند. آقایان اهل کاشان از دیدن این وضعیت ناراحت شدند. آیت‌الله کاشانی فرمودند: «او کسی است که در طی



روزها پیاده‌روی چندین بار جان مرا نجات داده و در عبور از رودخانه‌های پر آب مکرر مرا به کول گرفته و من این هدیه را در مقابل زحماتش به او می‌دهم.»

راوی: آیت‌الله صادقی تهرانی
منبع: تاریخ شفاهی ایران
۳۰ تیر، روز بزرگداشت
آیت‌الله ابوالقاسم کاشانی



خودی‌های اهل بیت (۴۸) ولایت حسنی

پیامبر گریه می‌کرد، چرا که امیرالمؤمنین و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین (ع) را دیده بود و برای هر یک مفصل اشک می‌ریخت. اصحاب علت را خوبا شدند و پیامبر دلیل گریه‌هایش برای هر یک را توضیح می‌داد. اما قبل از آن در مورد جایگاه امام حسن (ع) سخن فرمود:

أما الحسن فإنه ابني و ولدي و بضعة مني و قرّة عيني و ضياء قلبي و ثمرة فؤادي و هو سيد شباب أهل الجنة و حجة الله على الأمة أمره أمري و قوله قولی من تبعه فإنه مني و من عصاه فليس مني

اما حسن، پس او پسر من و فرزند من و پاره تن من و نور چشم من و چراغ قلب من و میوه دلم است. و او سرور جوانان اهل بهشت و حجت خدا بر امت است. فرمان او، فرمان من و سخن او سخن من است. هر کس از او تبعیت کند، از من است و هر کس او را نافرمانی کند، پس از من نیست.

انگار امامت چسبیده است به تبعیت. نمی‌شود یکی باشد و دیگری نباشد!



الأمالی (للمصدق)، النص، ص: ۱۱۴

کاریکاتور این هفته:



کاریکاتور این هفته: عراقی‌ها داعش از موصل بیرون انداختند